

روژنه

ادامه واکنش‌ها به سخنان محمدرضا خاتمی

بازتعریف نقش خاتمی یا کناره‌گیری او؟

● شرق: حواشی سخنان اخیر محمدرضا خاتمی همچنان ادامه دارد. او گفته بود که خاتمی به مقامات کشور و دوستان‌شان گفته است که دیگر وارد صحنه عملیاتی سیاست نخواهد شد. حالا ناصر قوامی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، نسبت به این سخنان گفته است: «اظهاراتی از قبیل این را که دوستان وارد صحنه عملیاتی سیاست نشوند، از خود خاتمی نشنیده‌ایم؛ اما اگر که گفته من دیگر به شکل عملیاتی در سیاست دخالت نمی‌کنم؛ یعنی مایوس از این است است که با این شرایط بشود اصلاحاتی صورت بگیرد. خاتمی از تحقق اصلاحات مایوس شده است؛ بنابراین وقتی همه راه‌ها بسته شده است، چاره‌ای جز این نیست که به صورت عملیاتی در سیاست دخالت نکند». البته در کنار این نگاه که خاتمی مایوس از کنشگری سیاسی شده است، برخی باور دارند که او قصد دارد دیگر به صورت رسمی فعالیت‌ی نکند؛ هرچند این نگاه نیز خالی از بحث نیست؛ زیرا این پرسش به وجود می‌آید که خاتمی مگر در سال‌های اخیر فعالیت عملیاتی داشته است و اصلا اجازه ورود به سیاست رسمی به او داده شده است؟ حال آنکه نمایش تصویر او هم در رسانه‌ها ممنوع است، چه برسد به آنکه بخواهد فعالیت‌ی رسمی در حوزه سیاست داشته باشد؛ هرچند شاید منظور از دوری خاتمی از عرصه عملیاتی در سیاست به معنای کنشگری جریان‌ی و حزبی باشد؛ به نحوی که ممکن است خاتمی تصمیم گرفته که

دیگر به صورت سابق پشت سر تصمیمات احزاب اصلاح‌طلب نایستد و صرفا نقش لیدری معنوی داشته باشد. نه عینی و مستقیم؛ یعنی برای مثال دیگر از لیست خاتمی حمایت نکند و به نوعی از حالا به همه احزاب اصلاحات اعلام کند که برای پیروزی لیست‌تان روی من حساب نکنید. فرضیه اخیر بیشتر نزدیک به واقعیت به نظر می‌رسد؛ زیرا حمایت‌های سال‌های اخیر خاتمی از لیست‌های انتخاباتی باعث شد که نقد‌های مهمی از سوی جامعه در پی ضعف عملکرد نمایندگان لیست امید و شورای پنجم متوجه او شود یا حمایت او از حسن روحانی هم همین نتیجه را برایش به ارمغان آورد و این در حالی بود که خاتمی نه برای کسب امتیازی از دولت روحانی از او حمایت کرد و نه نیت بازگشت به قدرت رسمی داشت و حمایت‌ها صرفا برای جلوگیری از به قدرت رسیدن نیروهای رادیکال بود؛ اما در شرایط کنونی انگار خاتمی به این نتیجه رسیده است که دیگر نباید خود را هزینه احزاب رایج کند؛ وگرنه با توجه به اظهارات برخی افراد به نظر می‌رسد خاتمی قصد ندارد به طور کلی از عرصه سیاست‌ورزی غیررسمی کناره‌گیری کند؛ چنان‌که محمود صادقی به‌تازگی گفته است: «در دو ملاقات اخیر که با آقای خاتمی داشتم، من چنین چیزی برداشت نکردم که ایشان بخواهند از جایگاه خود کنار بروند... فرض این مسئله خیلی قابل تحقق نیست. الان در جبهه اصلاحات تعدادی از اشخاص حقیقی و عضو در واقع از طریق رازبنی و حداقل مشاوره و اغلب معرفی آقای خاتمی عضو شده‌اند. البته ممکن است یک نوسازی تشکیلاتی در جبهه اصلاحات لازم باشد. توصیه آقای خاتمی نیز این بوده است که ادغام‌هایی صورت بگیرد و چند حزب گسترده‌تر و فراگیرتر را ادغام احزاب کوچک‌تر انجام شود و از سوی دیگر فعال‌ترشد تشکیلات جبهه اصلاحات در سطح شهرستان‌ها و استان‌ها نیز مدنظر است؛ یعنی تمرکز که الان در تهران هست، خیلی مؤثر نیست و به نوعی لازم است احزاب و شخصیت‌ها در سطح کشور و استان‌ها مشارکت بیشتری در جبهه اصلاحات داشته باشند...». با این اوصاف و به‌خصوص با توجه به توصیه اخیر خاتمی مبنی بر تشکیل چند حزب فراگیر به نظر می‌رسد که او قصد تغییر شیوه فعالیت سیاسی خود را دارد و شاید نمی‌خواهد کناره‌گیری‌ای از جنس آنچه علی‌اکبر ناطق‌نوری در پیش گرفت، داشته باشد؛ هرچند شاید انتقادهای این سال‌های برخی نیروهای اصلاح‌طلب به خاتمی در جایگاه لیدری اصلاحات هم در تصمیم او بی‌تاثیر نبوده باشد؛ به هر حال برخی احزاب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب باور دارند که لیدری اصلاحات باید کاملا ساختارمند باشد و به نوعی تبدیل به یک شخصیت حقوقی شود؛ موضوعی که به ادعای آنها در لیدری کنونی خاتمی به چشم نمی‌خورد. در هر صورت باید منتظر ماند و دید که سیدمحمد خاتمی به‌عنوان نفر اول جریان اصلاحات در بزنگاه‌های سیاسی آینده از خود چه واکنش‌هایی نشان می‌دهد.

علی خضریان نماینده عضو جبهه پایداری مجلس در واکنش به گزارش «شرق» درباره حمله به ظرفی توضیحی برای روزنامه ارسال کرده که در ادامه می‌آید. لازم به ذکر است که فقط در بخشی از گزارش و در ارتباط با شکایت کمیسیون اصل ۹۰ مجلس از ظرف به نام ایشان اشاره شده اما او بر خود لازم دیده به کل گزارش که قاعدتا ارتباطی با شخص ایشان نداشته واکنش مفصل نشان دهد.

در این توضیح آمده است: جناب آقای رحمانیان مدیرمسئول محترم روزنامه شرق سلام‌علیکم

در پاسخ به درج مطالبی تحت عنوان «حمله دوباره به ظرف» در شماره ۴۲۲۵ روزنامه شرق به تاریخ یکشنبه اول اسفندماه ۱۴۰۰ جهت تئویر افکار عمومی جوابیه‌ای منتشر می‌شود؛ لذا انتظار می‌رود روزنامه شرق براساس ماده ۲۳ از قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران نسبت به درج این‌جوابیه در همان صفحه و ستون در اولین شماره پس از دریافت جوابیه مبادرت ورزد.

تاریخ‌نگاری شرق به سبک غرب!

روزنامه شرق همان‌طور که اسمش با واقعیات خط فکری‌اش همخوان نیست، محتوایش هم با واقعیات فاصله معناداری گرفته است و در گزارش‌ی با آسمان و ریسه‌سمان باقی، تندرو و جریان خاص و رادیکال خواندن منتقدان در تیم مذاکره‌کننده سابق، بدون پاسخ مستدل به محتوا با انتشار ناقص و پاره حقیقت‌گویی به دنبال برجسب‌زنی و نتیجه‌گیری جالب خود رفته است.

لذا با کسانی که خود را به خواب زده‌اند کاری نیست و برای اطلاع مردم شریف ایران نکاتی بیان می‌گردد:

همان‌طور که مستحضردید، دولت‌های یازدهم و دوازدهم برای حل مشکلات کشور، مذاکره برای رفع تحریم‌ها را به عنوان راهبرد اصلی کشور انتخاب کرد. فرای مشکلات ذاتی این راهبرد، دکتر محمدجواد ظرف به عنوان مسئول اصلی مذاکرات نیز با ضعف‌های کارشناسی که در طول مذاکرات از خود نشان داد، نقش مهمی در ضعف توافق برجام و سوءاستفاده دشمن از آن داشت، که نمونه اخیر آن در اظهارنظر ایشان بر مایمون عدم اطلاع از وجود واژه تعلیق (suspend) در توافق پدیدار شد. اظهارنظری برخلاف صحبت‌های قبلی ایشان در مجلس شورای اسلامی که نشان‌دهنده عدم اشراف ایشان بر متن توافق است. علاوه بر این اظهارنظر، موارد بسیار دیگری از این تناقض‌ها و اقدام و اظهارات غیرکارشناسی در مورد مذاکرات، تحریم‌ها و توافق در صحبت‌ها و اقدامات دکتر ظرف وجود دارد، که لازم است این موارد مورد بررسی قرار گیرد. مهم‌ترین تناقضات، اظهارات و اقدامات دکتر ظرف که نشان‌دهنده عدم شایستگی ایشان برای مدیریت مذاکرات بوده است به‌طور خلاصه شامل موارد زیر است که اسناد مربوط به آن به صورت مشروح ارائه خواهد شد: الف)بی‌تفاوتی نسبت به احتمال خروج دولت‌های بعدی آمریکا از برجام: دکتر محمدجواد ظرف در دفعات متعدد در طول انجام توافق، ادعا می‌کرد که به علت رفع قطع‌نامه‌های شورای امنیت و قوانین حقوق بین‌الملل، رئیس‌جمهورهای بعدی آمریکا نمی‌توانند از توافق خارج شوند یا خروج آنها اثری نخواهد داشت. به طور مثال دکتر ظرف پس از نهایی‌شدن متن، در پاسخ به این سؤال که رئیس‌جمهور بعدی آمریکا می‌تواند برجام را کنار بگذارد و چه مکانیسم حقوقی برای الزام رئیس‌جمهور بعدی آمریکا برای اجرای برجام وجود دارد، گفته بود: «قطع‌نامه شورای امنیت برای آمریکا خیلی مهم است و مبنای مقبولیت جهانی دارد، به همین دلیل آمریکا نمی‌تواند این کار -عدم اجرای تعهدات در برجام- را انجام بدهد... من به شما اطمینان می‌دهم که آن مبنای مقبولیتی نباود می‌شود». علی‌رغم این اظهارنظر، ترامپ به راحتی و به

سیاست

واکنش یک نماینده مجلس به گزارش «شرق»

صورت یک‌طرفه از توافق خارج شد و تمام توافقات دوران برجام نیز نیمه‌کاره رها شد.

ب)عدم شناخت از تفاوت و اهمیت تحریم‌ها: یکی دیگر از ضعف‌های دکتر ظرف، عدم شناخت از درجه اهمیت تحریم‌ها بود. دکتر ظرف این‌گونه تصور می‌کرد که با رفع تحریم‌های شورای امنیت، دیگر تحریم‌های آمریکا اثر نخواهد کرد. ایشان آذر ۹۲ در صحن علنی مجلس گفته بود: «من به شما اطمینان می‌دهم زمانی که تحریم‌های شورای امنیت فرو بریزد، تمام تحریم‌های آمریکا جز تکه‌پاره‌ای از کاغذ نخواهد بود». اما همان‌طور که در طول اجرای برجام و پس از خروج آمریکا از برجام مشخص شد، علی‌رغم نبود تحریم‌های اقتصادی قطع‌نامه‌های شورای امنیت، به علت باقی‌ماندن تحریم‌های آمریکا و شروط این کشور، ایران نتوانست بهره‌مندی اقتصادی را ببرد، چنانکه دکتر ظرف پس از اجرای برجام، علی‌رغم ادعای کاغذی‌بودن تحریم‌های آمریکا پس از رفع تحریم‌های شورای امنیت، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۵ در نامه‌ای به هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برجام نوشت: «بانک‌های غیرآمریکایی عمدتا به دلیل پیام‌ها و اقدامات بازدارنده اوکف که مقررات رفع تحریم‌ها را به‌شدت مشروط و پیچیده جلوه می‌دهد و هم‌زمان تحریم‌های باقی‌مانده را برجسته و تهدیدآمیز معرفی می‌نماید، از ایجاد یا احیای روابط تجاری و اقتصادی با ایران اکراه دارند».

ج) عدم فهم از دوره‌های مختلف تحریمی و علت پیروزی اروپا از آمریکا: یکی دیگر از نقاط ضعف دکتر ظرف که باعث زیان فراوان اقتصادی به کشور شد، عدم فهم شرایط و دوره‌های مختلف تحریمی و میزان پیروزی اروپا از تحریم‌های آمریکا بود. وزیر سابق خارجه در ابتدا معتقد بود چون توافق قطع‌نامه‌های شورای امنیت را رفع کرده است، خروج یک کشور باعث نمی‌شود تا تعهدات سایر کشورها با مشکل روبه‌رو شود. دکتر ظرف در تأیید صحبت‌های خودش تحریم‌های سال ۱۹۹۶ (ایلسا) را مثال زد. صحبت‌هایی که نشان می‌داد دکتر ظرف اطلاعی از وضعیت بازارهای مالی دنیا ندارد. قانون تحریم‌های ایران و لیبی (ایلسا) در سال ۱۹۹۶ قانونی بود که در آن آمریکا سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران و لیبی را با محدودیت روبه‌رو می‌کرد. این درحالی بود که هم مجازات قانون ایلسا محدود بود و هم اینکه به استناد گزارش مقامات آمریکایی در آن سال‌ها شرکت‌هایی مانند پتروناس یا توتال که در ایران حضور پیدا کردند، منافع زیادی در آمریکا نداشتند. لذا بلافاصله اجرای قانون ایلسا متوقف شد. اما با گسترش بازارهای مالی و افزایش نقش دلار، وابستگی شرکت‌ها به آمریکا و پیروزی آنها از قوانین این کشور بیشتر شد. به همین دلیل پس از خروج آمریکا از برجام و در حالی که قطع‌نامه‌های شورای امنیت به حالت قبل خود بازنگشته بودند، اندک شرکت‌های اروپایی که با ایران توافق کرده بودند، ایران را بدون دادن یک دلار جریمه ترک کردند. همین نگاه غلط باعث شد ایران علی‌رغم خروج آمریکا از برجام دل به اروپا ببندد، اما اروپایی‌ها حتی کالاهای بشردوستانه به ایران را کاهش دادند. دکتر ظرف نیز که پیش از آن ادعا کرده بود، خروج آمریکا از برجام خللی در اقدامات اروپایی‌ها وارد نمی‌کند، مجبور شد نامه‌های زیادی به اروپایی‌ها بزند و از آنها بابت قطع تعاملات اقتصادی خود با ایران کله کند.

د) عدم تسلط به متن برجام در مورد بازگشت‌پذیری تحریم‌ها: یکی دیگر از ضعف‌های تیم مذاکره‌کننده و مشخصا دکتر ظرف عدم تسلط بر متن برجام در زمینه برگشت‌پذیری تحریم‌ها بود. دکتر ظرف در ۱۳ مرداد ۱۳۹۴ گفته بود: «درصورت بازگشت‌پذیری، توافقات باقی خواهد ماند و کسی نمی‌تواند مانع آن شود». این درحالی بود که براساس بند ۳۷ برجام، در صورت بازگشت تحریم‌ها تنها توافقاتی باقی خواهند ماند که شامل تحریم‌های شورای امنیت باشند و این موضوع شامل تحریم‌های اروپا و آمریکا نمی‌شود. به همین دلیل هم پس از خروج آمریکا از برجام، علی‌رغم اینکه تحریم‌های شورای امنیت مجددا اعمال نشد، برخلاف

نگرانی بهارستان نشینان از نتایج احتمالی مذاکرات وین :

صف آرای مجلس مقابل تیم مذاکره‌کننده



خارجه ابتکار عمل را به دست گرفته و این اتفاقات، رویکرد آنهاست؟ گفت: نه این‌طور نیست. شورای امنیت ملی می‌نشیند و یک سیاست‌گذاری می‌کند و بعد وزارت امور خارجه، آن سیاست‌گذاری‌ها را پیگیری می‌کند. نماینده تبریز در پایان درخصوص اینکه احتمال دارد پس از توافق ظرفین برجام، اختلافی بین مجلس و دولت شکل بگیرد، گفت: اکنون که مجلس، دولت و قوه قضائیه همه می‌گویند ما با همیم، از این‌رو فکر نمی‌کنم چالشی بین آنها به وجود بیاید. چندی پیش هم عمولی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس گفته بود: همه تحریم‌های ذیل کارزار فشار حداکثری، ناسازگار با برجام و با هدف نقض پاراگراف ۲۹ آن و قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت طراحی شده‌اند؛ بنابراین این باید یکی از پایه‌های تصمیم گروه ۴+۱ و آمریکا برای پایبندی به توافق و رفع تحریم‌ها علیه ایران باشد. آنها فهرست این تحریم‌ها را گرفته‌اند و باید همه تحریم‌ها رفع شوند.

فریدون عباسی هم چندی پیش در پاسخ به این سؤال که آیا مجلس از محتوای مذاکرات اطلاع دارد یا خیر گفت: در کمیسیون امنیت چند بار توضیحاتی توسط تیم مذاکره‌کننده داده شده، ولی کمیسیون انرژی در جریان نیست. در کمیسیون انرژی بحث‌های

سال نوزدهم • شماره ۴۲۲۷ روزانه

واکنش یک نماینده مجلس به گزارش «شرق»

ادعای دکتر ظرف توافقات باقی نماندند. ه) عدم تسلط به متن در حوزه رفع تحریم‌ها: یکی دیگر از موضوعاتی که باعث زیان به کشور شد، عدم توجه دکتر ظرف به پانوشت‌های ۱۴ و ۱۶ پیوست دوم برجام است. دکتر ظرف سال ۹۴ و در کمیسیون برجام گفته بود: «از روز اجرای توافق، اجرای کل تحریم‌های ایالات متحده متوقف خواهد شد» این در حالی است که علاوه بر باقی‌ماندن تحریم‌های اولیه و یا تحریم مهمی همچون محدودیت استفاده از چرخه دلار (U-TURN) در برجام، براساس پانوشت ۱۴ و ۱۶ پیوست دوم برجام، تحریم‌های آمریکا صرفا برای افراد خارج‌شده از لیست تحریم متوقف می‌شد و افراد باقی‌مانده در لیست تحریم (SDN list) همچنان شامل تحریم بودند و مؤسسات مالی دنیا در صورت انجام تراکنش مستقیم یا غیرمستقیم با آنها شامل جریمه محرومیت از نظام مالی آمریکا می‌شدند. همین موضوع باعث شد در طول اجرای توافق بانک‌های بزرگ دنیا با ایران کار نکنند. موضوعی که در گزارش سوم وزارت خارجه در اجرای برجام نیز به آن اشاره شده بود. این موضوع نشان می‌دهد که عدم تسلط دکتر ظرف به ساختار متن و تحریم‌ها باعث شده تا ساختار تحریم‌ها باقی بماند و ایران آورده اقتصادی چندانی از توافق نداشته باشد.

و) تناقض در رعایت خطوط قرمز رهبری: آقای ظرف در طول مذاکرات مدعی شده بود که خطوط قرمز رهبری در مذاکرات رعایت شده است. این درحالی است که خود رهبر انقلاب تأکید کردند که دکتر ظرف بیان کردند که برخی خطوط قرمز رعایت نشده است. علاوه بر این تناقض، بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد که هیچ یک از خطوط قرمز رهبری در مورد رفع تحریم‌ها رعایت نشده که باعث ضرر و زیان به مردم شده است.

ز) تناقض در مورد اثر تحریم‌ها بر فروش نفت: دکتر ظرف پس از رسیدن به توافق برجام برای توجیه اقدام خود، ادعا کرد که اگر توافق زدو یا برجام نبود، فروش نفت ایران صفر می‌شد. موضوعی که نه تنها با مارهای بین‌المللی حتی آثار اداره اطلاعات انرژی آمریکا سازگاری نداشت، بلکه بعدها و پس از بازگشت همان تحریم‌ها در ادعایی کاملا مخالف با ادعای قبل خود در آبان سال ۹۷ گفت: «آمریکا نمی‌تواند صادرات نفت ایران را به صفر برساند». این تناقض در گفتار دکتر ظرف نشان می‌دهد که ایشان برای پیشبرد نگاه خود و توجیه برجام، چگونه دست به تحریف حقایق و همچنین خالی‌کردن دست ایران در مذاکرات زده است.

ح) زمان بازگشت‌پذیری ایران: دکتر ظرف پس از نهایی شدن متن توافق برجام مرداد ۹۴ گفته بود: «می‌گویند اثر بازگشت تحریم‌های آنها یک‌شبه است که نیست و به سال‌ها زمان نیاز دارد. اثر بازگشت ما می‌تواند زودتر باشد، زیرا اگر نقض عهد کنند کار ما با پیچ و مهره‌هاست». این اظهارات در حالی انجام شد، که برخلاف ادعای دکتر ظرف تنها چند روز پس از خروج آمریکا از اعلام برجام در اردیبهشت سال ۹۷، تمامی شرکت‌های اروپایی اعلام کردند توافقات خود با ایران را نیمه‌کاره رها می‌کنند و تنها چند ماه پس از اعلام خروج آمریکا از برجام و پیش از اینکه موعد قانونی خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌ها فرا برسد، اروپایی‌ها خرید نفت خود از ایران را صفر کردند.

در پایان با استناد به موارد فوق که نشان‌دهنده اهمال دکتر ظرف در انجام مسئولیت بوده است و برای بازخوانی تجربه اعتماد به غرب و مسیر مذاکرات که مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز بوده است، لازم است ضمن روشنگری و رسیدگی به این موارد، تلاش شود تا مسیر اشتباه گذشته تکرار نشود.

والسلام علیکم

علی خضریان

نماینده مجلس شریف ایران از حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس، رئیس کمیته سیاسی، نظامی و امنیتی کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی.

فنی به ما مرتبط می‌شود که هنوز توضیحی درباره بخش‌های فنی مذاکرات هم در این کمیسیون داده نشده است. عضو کمیسیون امنیت ملی در پاسخ به این سؤال که آیا ایران حاضر است هم‌زمان با طرف آمریکایی قدمی برای بازگشت به برجام بردارد، تأکید کرد: ما هیچ قدمی نباید برداریم؛ ما قدم‌هایمان را قبلا برداشتیم. مقداری تکلیفمان را کاهش دادیم تا آنها به تعهداتشان برگردند.

مجلس از یک‌سو می‌گوید بی‌خبر است و نگران نادیده گرفته‌شدن مواضع خود در مذاکرات است، از سویی دیگر برای دولت خط‌ونشان می‌کشد. بیش از ۲۵۰ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه اول اسفندماه در بیانیه‌ای از دولت ابراهیم رئیسی خواسته‌اند بدون اخذ تضمین برای عدم خروج دوباره آمریکا از برجام زیر بار توافق نرود.

در این بیانیه شش ماده‌ای تأکید شده بود که کشورهای غربی باید تعهد بدهند که همه تحریم‌های مرتبط با تروریسم، برنامه هسته‌ای، برنامه موشکی، بانکی و نیز تحریم‌های حقوق‌بشر علیه جمهوری اسلامی را لغو کنند. این بیانیه بازگشت ایران به اجرای تعهدات برجامی خود را مشروط به لغو همه تحریم‌ها و راستی‌آزمایی آنها توسط مجلس شورای اسلامی کرده است. این نمایندگان همچنین خواستار اتخاذ تعهد از اعضای برجام جهت استفاده‌نکردن از «مکانیسم اعاشه» شده‌اند. خواسته‌های نمایندگان هرچند یک اصل مورد پذیرش است اما مسئله مهم روند مذاکرات است و یکجانبه نمی‌توان به قضاوت نشست. این‌روزها که خبرها حاکی از احتمال به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات است و اجرای کامل قانون راهبردی غیرممکن، بنابراین اصرار به اجرای این قانون جز مانع‌تراشی بر مسیر مذاکرات نیست و یادآور حملات مکرر اصولگرایان به برجام است و آتش‌زدن آن در صحن مجلس. هرچند انتظار می‌رفت در دولت اصولگرا و به قول خودشان با تیم مذاکره‌کننده مورداعتمادشان دیگر بر طبل خروج از برجام نکوبند اما اصرار بر اجرای قانون راهبردی و خط‌ونشان برای دولت معنایی جز تلاش برای استمرار تحریم‌ها و بی‌توجهی‌ماندن مذاکرات وین ندارد.

سال نوزدهم • شماره ۴۲۲۷ روزانه

ادامه از صفحه اول

بر ما چنین مباد!

اکنون باید تلاش کنیم از کلیات و نظریه‌ها بگذریم و در نظر داشته باشیم که سال‌های پیش‌رو، سال‌های کار است... (رسانه‌ها -۱۴۰۰/۶/۹)
ایک اما به نظر کار دولت و جناب وزیر اقتصاد با مجلس بر سر لایحه بودجه سخت به مشکل برخورد است؛ (هم افزایش چنان‌که به گفته وی، کمیسیون تلفیق «به لحاظ راهبردی برخی از سیاست‌های اقتصادی لایحه دولت را دچار تغییر کرده است». آقای خاندوزی چهار ایراد اساسی ایجادشده در لایحه بودجه دولت در این کمیسیون را چنین برشمرده است: «افزایش وابستگی بودجه به مشکل برزبان فارسی قیمت و هم افزایش حجم صادرات نفت». افزایش غیرقابل تحقق درآمد‌های مالیاتی (افزایش ۲۰ هزار میلیارد تومانی درآمد مالیاتی روی لایحه‌ای که خودش بیشترین میزان درآمد احتمالی را لحاظ کرده بود). فروش سهام شرکت‌های دولتی (الزام به فروش ۱۳۰ هزار میلیارد تومان سهام شرکت‌های دولتی برای تأمین منابع صندوق بازنشستگی وامثال آن که به لحاظ اقتصادی ادامه روند غلط و خصوصی‌سازی بر اساس رد دیون» تلقی می‌شود و آثار منفی آن بر عملکرد بنگاه‌های واگذارشده و همچنین بازار سرمایه انکارنشدنی است) و تسهیلات تکلیفی بر بانک‌ها (افزایش حدود هزار هزار میلیارد تومان بر تسهیلات تکلیفی بانک‌های دولتی که غالباً خود دچار مشکل ترازنامه هستند...) (رسانه‌ها-۱۴۰۰/۱۲/۱)
البته ایرادات وزیر اقتصاد به تغییرات لایحه بودجه، تنها بخشی از تغییراتی است که در این لایحه در کمیسیون تلفیق ایجاد شده است و به آنها باید موارد زیر را نیز افزود که این روزها موضوع بحث و گفت‌وگوی رسانه‌ای و صدای بسیاری و حتی اصولگرایان مدعی یکدستی قدرت را هم درآورده است:

- بقای اختصاص مبلغ ۹ میلیارد دلار برای تأمین کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی و بر اساس نرخ ارز ترجیحی که بهار مالی بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی به بودجه بدون منابع جدید بدون کاهش جدی در مصارف تبصره ۱۴ ایجاد کرده است. - حذف اعتبار ۶۶ هزار میلیارد تومانی صندوق «پیشرفت و عدالت» که مبنای رشد هشت درصدی در سال ۱۴۰۱ بود و دولت بسیار به آن امید بسته بود و روی آن مانور می‌داد. صندوق که قرار بود به گفته آقای رئیسی، تشکیل آن در اسفان‌ها «سب تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام و اشتغال و کارآفرینی و...» شود.

- اعدام مناطق آزاد در وزارت اقتصاد با تصویب ماده‌ای که بر اساس آن «کلیه امور اجرایی، مدیریتی، ساختار و تشکیلات مربوط به دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و صنایع اقتصادی و سازمان‌های مناطق آزاد و ویژه اقتصادی سراسر کشور توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی انجام می‌شود». بر این اساس مناطق آزاد که روزگاری به‌عنوان راه تنفس اقتصاد از گرفت‌وگیری‌های دولت ایجاد شده بود و راه و مسیری برای آزادی اقتصادی، در دل دولت جای گرفته و تحلیل رفته و تبدیل به اداره، دفتر یا معاونتی در وزارت عریض و طویل اقتصاد و دارایی خواهد شد که از اداره‌کردن همین مجموعه و ساختار فعلی (سازمان امور مالیاتی، گمرک و...) نیز مانده است. این تغییرات بودجه‌ای لایحه دولت در مجلس را می‌توان همچنان ادامه داد و از افزایش حقوق سربازان، وام ازدواج، فرزندآوری، پادش پایان خدمت بازنشستگان و... گفت و گفت. اما به نظر همین اندازه گفایت می‌کند در اثبات این ادعا که بدون درک شرایط بحرانی اقتصادی کشور و ضرورت انجام اصلاحات ساختاری بر مبنای تئوری اقتصادی منسجم، به‌روز، علمی و هم‌راستا با منافع جامعه، انواع تضاده و تناقض‌ها در گفتار و رفتارمان بروز خواهد کرد و کار بار و غارت‌ین افراد را هم به اختلاف و جدایی می‌رساند و «یکدستی» را به «ویراوبویی» می‌کشاند و البته مهم‌تر آنکه حیات و بقای ملتی را در جهان هر روز در حال تحول و پیشرفت، دچار انحطاط و عقب‌ماندگی می‌کند که بر ما چنین مباد!

انتظارات از وزیر خارجه

زنده‌باد دکتر حسن حبیبی از مععدد دولتمردان مسلط به زبان فرانسه بود. رشته تحصیلی او «حقوق» بود و بر کسی پوشیده نیست که پیش‌نیاز تحصیل در این رشته و اخذ دکتری از دانشگاه سوربن فرانسه، چه میزان از تسلط بر این زبان است. به یاد ندارم حتی در یک مورد، چه در دوره تصدی وزارت و چه معاون‌اولی، با یک مقام کشور‌های عضو عضو فرانکفون به زبان فرانسه صحبت کرده باشد. اصرار رهبری بر انجام مذاکره به زبان شیرین فارسی داشت. از نظر دستورالعمل‌های سازمان اداری کشور، مهندس میرحسین موسوی در زمان تصدی نخست‌وزیری بخش‌نامه‌ای را صادر کرد. این بخش‌نامه، مسئولان کشور در همه رده‌ها را ملزم می‌کند در ملاقات با مقامات خارجی به زبان فارسی صحبت کنند. تا جایی که اطلاع دارم، پس از ایشان و در دوره‌های مختلف رؤسای جمهور بخش‌نامه‌ای که ناخج آن باشد، صادر نشده است. اینکه فلان وزیر آن را رعایت پروتکل‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی است، به دو مورد اشاره می‌کنم. در سفر پیش‌گفته به عراق، امیرعبداللهیان در مراسم عکس‌گرفتن در جایی ایستاد که جایگاه تعیین‌شده برای او نبود؛ این یعنی نقض فاحش پروتکل و بلکه توهمین به دولت میزبان.

ادامه در صفحه ۸